

مطالعه تطبیقی حماسه مردمی آمل در ششم بهمن سال شصت

حسین قربانی 1 ، شقایق کاردگر 2

1- دانشجوی دوره دکتری تخصصی خط مشی گذاری دانشگاه تهران ، دکتری حرفه ای مهندسی عمران گرایش مدیریت ساخت و استاد دانشگاه فنی و

حرفه ای ، hgh.studies@gmail.com

2- کارشناسی ارشد مهندسی معماری دانشگاه طبری بابل ؛

shaqayeq.kardgarr@gmail.com

چکیده :

آنچه در این پژوهش به آن پرداخته شده مطالعه تطبیقی حماسه مردمی آمل در ششم بهمن سال شصت می باشد . واقعه سال یکهزار و سیصد و شصت شهر آمل که به اختصار قیام آمل یا حماسه مردمی آمل نامیده می شود، به مبارزه مسلحانه پیش از یکصد فرد مسلح از گروهی مارکسیست به نام اتحادیه کمونیست‌های ایران (سربه‌داران) علیه نظام جمهوری اسلامی ایران به منظور برپاکردن یک انقلاب دیگر در شهر و جنگل‌های اطراف شهر آمل در شمال ایران اشاره دارد که با مقاومت و حماسه مردم شهرستان هزار سنگر آمل مواجه شدند . این حمله که در چهارم و پنجم بهمن ماه سال یکهزار و سیصد و شصت آغاز شد، پس از چهل و هشت ساعت درگیری سرانجام در تاریخ ۶ بهمن با تمرکز قوای نیروهای سپاه پاسداران و بسیجیان و عموم مردم منجر به شکست گروه مزبور گردید . منابع زیادی بیان داشته اند که نیروهای مردمی در این درگیری‌ها و خشی نمودن آن با ایجاد هزاران سنگر و جانفشانی‌هایی وصف ناشدنی نقشی فزاینده داشته‌اند و این رویداد را حماسه مردم آمل می‌نامند که در این پژوهش به جزئیات آن بیشتر پرداخته خواهد شد .

واژگان کلیدی :

ششم بهمن ، سال شصت ، حماسه مردمی آمل ، حماسه مردم آمل ، هزار سنگر

مقدمه :

حماسه ششم بهمن آمل ، چهل و دو سال پیش در یک روز زمستانی اتفاق افتاد، روزی که هر خانه ای برای گرم نگه داشتن خانه با داشتن پیت‌های نفت بین صف‌های طولانی به انتظار می‌کشیدند. خانه‌هایی که خانواده‌های آنها تمام فکرشان به آن فرزندان بود که برای حفظ خاک وطن و نوامیس شان با دشمنی زورگو عازم جنگ شده بودند. جنگی که هنوز خون شهدای انقلاب اسلامی خشک نشده از یک حاکم تعلیم داده شده به حکومت نوپای جمهوری اسلامی تحمیل شده بود.

انقلابی که برای نابودی آن چه نقشه‌ها کشیدند، از انواع ترورهای شخصیتی گرفته تا بمب‌گذاری‌های کوچک و بازار، از تفرقه‌اندازی قومیت‌ها تا اشاعه فرهنگ ضدانقلابی، از حضور کومه‌ها و منافقین در کردستان و گنبد گرفته تا کمونیست‌ها در جنگل‌های آمل. سال 60 بود و مردم آمل با دغدغه‌های جنگ و مشکلات آن، وجود کمبودها، دل‌نگرانی‌های فرزندانشان، حضور مهمان ناخوانده‌ای را حس کردند. حس نه با چشم خود دیدند آن هم ابتدا در دل جنگل‌های امامزاده عبدالله بعد در صف نانوایی‌ها، بقالی‌ها، خیابان‌ها با لباس‌هایی سبز و خاکستری اما با نوشته‌ای جالب به نام سربرداران. و مردم این شهرستان خوش و آب و هوا به دلیل خوی و خصلت خونگرمی‌شان و مهربانی‌شان از آنها به گرمی برخورد و پذیرایی می‌کردند چون باور داشتند آنها با این پوشش به نوعی دیگر خدمت به انقلاب و نظام می‌کنند.

پیشینه و اهداف

اتحادیه کمونیست‌های ایران پیش از انقلاب ایران از ادغام سازمان انقلابیون کمونیست که سازمانی مائونیست در خارج از کشور بود و «گروه پوبا» که اعضایش بعضاً برای آموزش جنگ چریکی به کشورهای حاشیه دریای مدیترانه رفته بودند، تشکیل شد و در بین جوانان در آمریکا و سایر کشورهای غربی به ویژه فعالان در کنفدراسیون دانشجویان ایرانی تأثیر قابل توجهی داشت. از جمله فعالان مبارز شناخته شده ضد حکومت شاه در خارج مانند سیامک زعیم، عبدالرحمان آزمایش، حسین ریاحی و فرید و وحید سریع القلم در این سازمان فعال بودند و در ابتدای انقلاب از مکتبی‌ها در مقابل لیبرال‌های اسلامی حمایت می‌کردند.

اما در خردادماه سال ۱۳۶۰ خورشیدی و هم‌زمان با عزل بنی‌صدر و درگیری شدید اپوزیسیون و نیروهای انقلاب اسلامی، اتحادیه به رهبری سیامک زعیم با تصوراتی واهی به این باور رسید که جمهوری اسلامی با به اجرا گذاشتن یک کودتا خواستار یک‌دست نمودن و تصفیه درونی حکومت از طریق بیرون راندن عناصری چون بنی‌صدر و سرکوب توده‌ها خصوصاً دگراندیشان چپ‌گرا هستند این در صورتیست که خیانت‌های ممتد و مستمر بنی‌صدر و اطرافیان‌ش را نادیده انگاشتند. از این رو آنان برای نجات تفکرات خویش از مسیری که به ادعای آنان به انحراف کشیده شده بود به مبارزه مسلحانه توده‌ای روی آورده و اهداف خود را در شماره ۱۴۷ نشریه حقیقت که در آذرماه (سال ۶۰) انتشار یافت و در شهر آمل پخش شد، در جهت تنویر افکار عمومی و همراه سازی عموم مردم دربرگیرنده مضامینی دروغین و کاذب این‌گونه اعلام نمودند:

۱ - سرنگونی حکومت امام خمینی (ره) ۲ - دعوت مجلس مؤسسان ملی بر اساس انتخابات عمومی (که در این انتخابات طرفداران سلطنت پهلوی و نظام جمهوری اسلامی و دسته‌جات حیره‌خوار و وابسته به قدرت‌های سلطه‌گر جهانی حق رأی نداشتند) ۳ - افشا و لغو کلیه قراردادهای سران جمهوری اسلامی با قدرت‌های امپریالیستی ۴ - لغو فوری کلیه حقوق بزرگ‌مالکی و فئودالی در سراسر ایران ۵ - تدوین فوری یک قانون کار مترقی و عادلانه ۶ - تشکیل فوری دادگاه‌های فوق‌العاده توده‌ای برای محاکمه کلیه کارگزاران حکومت کنونی ۶ - به

رسمیت شناختن کلیه آزادی‌ها و حقوق سیاسی و اجتماعی و آزادی‌های مردم ۷ - بسیج مردم و کلیه امکانات برای نجات خوزستان و بیرون ریختن تجاوزکاران بعثی عراق ۸ - اجرای یک طرح ضربتی اقتصادی برای خروج کشور از بحران اقتصادی ۹ - اعلام یک سیاست خارجی کاملاً مستقل و انقلابی در عرصه روابط خارجی ایران مبارزه با ولایت فقیه و ایجاد جامعه‌ای کمونیستی بر اساس سکولاریسم

بعد ها در زمان های پیش تر با همکاری بسیاری از سران این تفکرات در عملیات مرصاد با مسعود رجوی و سازمان منافقین ، این موارد بالاخص بند 7 زیر سوال رفت و کاملاً برای مردم پیش از پیش نقشه های شوم شان بازگو گردید .

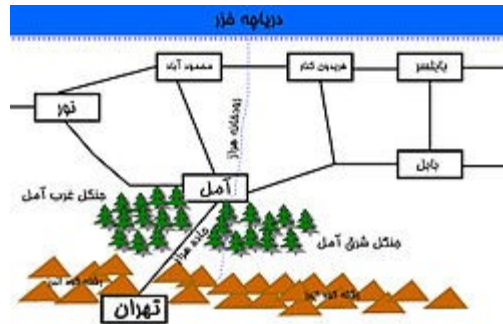
و اما در ادامه با تحلیل عملکردی این گروه اهداف اصلی شان بدین گونه آشکار گردید :

1- تصرف یک شهر مهم و توسعه عملیات‌های بعدی ، 2- جلب نظر افکار عمومی و گروه‌های سیاسی داخل کشور، 3- حفظ حضور سیاسی خود در عرصه سیاسی کشور 4- قوی‌تر نشان دادن خود در مقایسه با دیگر گروه‌های سیاسی، 5 - فراهم کردن زمینه برای جلب حمایت خارجی، 6- تقویت جبهه هواداران، 7- ایجاد رعب و دلهره در نیروهای هوادار نظام و 8- سهم‌خواهی برای آینده یا حرکت به سمت سقوط نظام جمهوری اسلامی

بنا بر اعتراف‌های برخی از اعضای دستگیرشده، اتحادیه در ۳۰ خرداد تصمیم به مقابله نظامی با حکومت گرفت. در تابستان ۱۳۶۰ نیز تصمیم به قیام شهری اتخاذ شد. سربداران این اقدام خود را تحت عنوان «قیام فوری» طراحی کردند. برخی از اعضای اتحادیه نیز معتقد بودند که باید در ۳۰ خرداد ۶۰ دست به قیام مسلحانه می‌زدند.

اتحادیه که نیروهای خود را به جنگل‌های اطراف آمل فرستاده بود، در اندیشه زدن جرقه یک قیام سراسری در کشور بود و در نظر داشت تا این اتفاق تقریباً هم‌زمان با عملیات مسلحانه مجاهدین و فداییان اقلیت در شهربور و مهر آن سال در سایر نقاط کشور باشد اما اختلاف نظرها و بحث‌های ایدئولوژیک رهبری آن، این اقدام را به تأخیر انداخت. نهایتاً اتحادیه تحت لوای «سربداران» تصمیم گرفت تا در زمستان سال ۱۳۶۰ به آمل حمله کرده و زمینه یک شورش همگانی را به وجود بیاورد. آن‌ها تخمین می‌زدند که حکومت بتواند حدود ۳۰۰۰ نفر از نیروهایش (سپاه، ژاندارم و بسیج) را برای مقابله به منطقه بفرستد. و حال آنکه مطلع بودند که بسیج به خاطر جان‌فشانی اعضایش شناخته شده بود که تنها با از جان گذشتگی می‌توانست مانع از نقشه هایشان گردد و هیچ نیرو و قوایی جلو دار اندیشه ی مقدس بسیجیان نبود . حال آنکه در روز حادثه با ایجاد هزاران سنگر به توسط عموم مردم با همراهی نیروهای سپاه ، چندین هزار نفر به تصورات و پیش بینی های این گروه افزوده شد .

دلایل انتخاب جنگل های آمل :



تصویر شماره 1. دلایل انتخاب جنگل های آمل
موقعیت جغرافیایی و استراتژیک آمل که ورودی چند شهر مهم مازندران است

- ✓ الگوگیری از واقعه سپاهکل
- ✓ استتار مناسب جنگل آمل به دلیل داشتن پوشش مناسب، غارها و پستی و بلندی های بسیار
- ✓ وجود راه های بسیار و متفاوت که افراد ناآشنا را با مشکل مواجه می کرد.
- ✓ وجود عناصر بومی مثل رانندگان معدن که از مشکوک شدن به تحرکات زیاد جلوگیری می کرد.
- ✓ تأمین آذوقه از روستاهای مجاور.
- ✓ ارتباط و نزدیکی با شهر آمل و تهران
- ✓ استقرار در حاشیه جاده بین المللی هراز که گذرگاه چند استان و شهر مهم کشور بود.
- ✓ امکان بستن راه هراز به گونه ای که امکان ارتباط با پایتخت و نیروهای اعزامی را کاهش دهند و هم چنین تبلیغات در این جاده
- ✓ فاصله مناسب بین جنگل و دریا جهت ایجاد عملیات جنگ و گریز.
- ✓ نزدیکی به تهران
- ✓ وجود جنگل در دوسوی جاده هراز و موقعیت مناسب آن
- ✓ دسترسی به آب رودخانه هراز.
- ✓ وجود خوراکی های درختی و زمینی.

انتقال نیرو به جنگل و نحوه آرایش نظامی



تصویر شماره 2. تعدادی از اعضای سریداران آمل در جنگل‌های مازندران

طبق اعترافات حسین تاجمیر رباحی از رهبران سریداران که در منابع منعکس شده یکی از تاکتیک‌های اتحادیه کمونیست‌ها در قبال جنگ، فرصت‌طلبی آنان از وضعیت جنگی کشور بوده است طبق این اعترافات، اتحادیه در پی گشودن جبهه سومی علیه جمهوری اسلامی ایران بود، جبهه اول جنگ ایران و عراق است که بخش عمده‌ای از امکانات و نیروهای نظام را به خود مشغول کرده است، جبهه دوم مبارزات کردها و گروه‌ها می‌باشد، بنابراین ایجاد یک جبهه سوم در جنگل بدون مقاومت چندان‌ی از سوی حکومت می‌توانست موفقیت بیشتری را در پی داشته باشد و نهایتاً به سقوط حکومت بینجامد که به تز جبهه سوم معروف بود. بنابر آنچه در کتاب پرنده نوپرواز از جانب سریداران نقل شده، سریداران تصمیم داشتند تا پس از پیروزی در آمل جبهه دیگری را نیز در کرمانشاه ایجاد کنند

طبق مستندات منابع در کشور، از اواخر شهریور و اوایل مهر سال ۱۳۶۰ سریداران انتقال نیروهایشان را به داخل جنگل آغاز کردند و نزدیک به ۱۸۰ الی ۲۰۰ نفر در منگل دره مستقر شدند در خصوص تعداد نیروهای اتحادیه، منابع داخلی و خارجی، آمار متفاوتی ارائه داده‌اند. منابع موثق بیان می‌کنند که شورشگران در ابتدا بالغ بر ۱۸۰ نفر بودند و نزدیک به ۱۸۰ الی ۲۰۰ نفر آنان در منگل دره مستقر شدند و قبل از درگیری بهمن ماه به دلیل ترس و واهمه به حدود ۱۰۰ نفر رسیدند. حال آنکه در کتاب پرنده نوپرواز که توسط حزب کمونیست به چاپ رسید سریداران معتقدند که اعضای این گروه در حدود صد نفر بوده‌اند و عمده نیروهای دیگر و نه نیروهای اصلی که از دیگر نقاط به آنها پیوسته بودند در خلال یک ماه پس از درگیری ۲۲ آبان و در حین شرایط سخت محاصره گروه را ترک گفته‌اند. آن‌ها همچنین مدعی وجود ۹ گروه ۹ نفره در ابتدای عملیات هستند که بعد از درگیری ۲۲ آبان تغییر شکل داده و به ۵ گروه ۱۶ تا ۲۰ نفره متشکل از: فرمانده کل، معاون نظامی، مسئول سیاسی، تدارک‌چی، آربی‌چی زن تبدیل شدند. علاوه بر این گروه‌ها یک گروه مرکزی متشکل از: فرماندهان اصلی، فرمانده کل گروه، مسئول کل سیاسی، مسئول کل ارتباطات، مسئول کل شناسائی و تدارکات، تیم پزشکی و عده‌ای نظامی دیگر که جمعاً ۱۶ نفر می‌شدند را به این عده باید افزود. همچنین در مجموع ۶۰٪ از نیروها اصالتاً خوزستانی و کرد بودند. و عده بسیاری از آنان سابقه تحصیل در کشورهای غربی را داشتند. افرادی که از شهرهای دیگر به تهران می‌رسیدند توسط پیک شمال، به آمل منتقل می‌شدند.

در کتاب اسناد اتحادیه کمونیست‌ها در واقعه آمل، ادعا شده است که بنابر اعترافات محمدرضا سپرغمی با توجه به هماهنگی‌هایی که بین اتحادیه و سازمان مجاهدین خلق در خلال برخی از جلسات وجود داشت، سازمان مجاهدین خلق نیز

به رغم ایدئولوژی متعارض با اتحادیه، با قیام فوری و جنگ مسلحانه موافقت کرده و بعد گروه‌های اکثریت جناح چپ، اقلیت، پیکار و... تعدادی از نیروهای‌شان را برای کمک به اتحادیه به جنگل فرستادند.

همچنین بنابر ادعای این کتاب و سایر منابع بر اساس اعترافات علی علیزاده (از اعضای اتحادیه) نیروهای اتحادیه در ۹ گروه ۲۰ نفره تقسیم شدند که تمام گروه در سه کمپ بالا، وسط و پائین که هر کمپ، ۳ گروه را در خود جای داده بود مستقر شدند و فاصله کمپ‌ها از یکدیگر حدود ۷۰۰ متر بود تا در صورت شرایط اضطراری به هم کمک کنند. و بعد از درگیری ۲۲ آبان تغییر شکل داده و به ۵ گروه ۱۶ تا ۲۰ نفره تبدیل شدند. در هر کمپ ۶ چادر بود که ۵ چادر برای نیروها و یک چادر برای کارهای پزشکی که افراد گروه پزشکی در آن مستقر بودند و هر کمپ ۳ یا ۴ نقطه نگهبانی تعیین شده بود و نگهبانان هر کمپ از هم جدا بودند. هر فرد علاوه بر کارهای رزمی همچون آموزش اسلحه، آموزش تاکتیک، راهپیمایی گروهی و ورزش و طایفی همچون ظرف شستن، جمع‌آوری هیزم، و کارهای عمومی و شخصی را نیز بر عهده داشت. کمپ فرماندهی در بالا قرار داشت و مشتمل بر ۱۵ نفر بود، فرمانده کل گروه، مسئول کل سیاسی، مسئول کل ارتباطات، مسئول کل شناسایی، تیم تدارکات و تیم نظامی در این کمپ مستقر بودند.

تجهیزات و مهمات منافقین

منابع موثق معتقدند که اسلحه و تجهیزات مورد نیاز عملیات برای ۱۸۰ نفر تهیه گردید. د ک ش ه ش امل:
تفنگ ژ ۳ (۵۰ الی ۵۵ قبضه)، تفنگ کلاشینکف (۳ یا ۴ قبضه)، تفنگ ام ۱ (۱ قبضه)، تفنگ یوزی (۳ یا ۴ قبضه)، کلت کمبری (۴ قبضه)، آرپی‌جی ۷ (۵ یا ۶ قبضه) نارنجک (بیش از ۷۰ عدد)، سه راهی (۲۰۰ الی ۳۰۰ عدد)، تیربار ژ ۳ (۱ قبضه)، موشک آرپی‌جی ۷ (۵۰ یا ۶۰ عدد) بوده‌است.

علاوه بر این‌ها با استفاده از دیگ‌های زودپز و موتور برق نوعی سلاح‌های انفجاری دست‌ساز نیز تولید شده بود. همچنین منافقین دارای یک شبکه کامل بی‌سیم بودند. بخش عمده‌ای از این سلاح‌ها از جبهه‌های جنگ و کردستان به سرقت رفته و تعدادی هم از راه خرید از قاچاقچیان بدست آمده بود.

بنابر آنچه در پرنده نوبرواز ذکر شده، اتحادیه اعتقاد داشت که جنگ بین ایران و عراق، جنگ طبقه آن‌ها نبود و تنها نفع آن‌ها از این جنگ، تأمین این سلاح‌ها توسط نیروهای‌شان بود. و بخش دیگری از سلاح‌ها در جریان وقایع ۲۲ بهمن ۵۷ و اوایل انقلاب بدست آمده بود. این سلاح‌ها ابتدا به نارمک تهران و سپس به آمل منتقل شدند.

طبق آنچه که در کتاب پرنده نوبرواز آمده آذوقه و مواد غذایی مورد نیاز گروه، از تهران خریداری شده یا به جبر از دامداران این روستاها یا روستائیان مصادره می‌شد. همچنین چند بار به مصادره برنج، کفش و لباس از خانه برخی از مردم اقدام نمودند. بدین ترتیب منافقین با سرقت از جهاد سازندگی روستای گزناسرا و روستاهای اطراف، اموال مردم و روستائیان آذوقه و تجهیزات خود را تأمین می‌کردند و یکی دیگر از راه‌ها، تأمین غذا از گوشت حیوانات اهلی و وحشی بود.

طبق مستندات ، دو دستگاہ وانت، دو خودروی سواری، دو دستگاہ موتور سیکلت و دو راس قاطر، انتقال لوازم و مایحتاج را به جنگل انجام می‌دادند.

همچنین دو دستگاه فتواستنسلی و تکثیر و یک ماشین تایپ امکانات انتشاراتی اتحادیه کمونیست‌ها را تشکیل داده بود.

تأمین مالی

بنابر اعتراف‌های سیامک زعیم (از اعضای اتحادیه) که در منابع منعکس شده، تأمین مالی منافقین این‌گونه بود:

- پرداخت حق عضویت اعضا
- سرقت از منازل و بانکها
- خرید و فروش (بعنوان نمونه، یک باغ میوه خریداری نموده و میوه‌های آن را چیدند و فروختند)
- جمع‌آوری کمک از برخی هواداران که از اعضای این گروهک تروریستی بوده اند.

فعالیت‌های اطلاعاتی تبلیغاتی منافقین

طبق اعتراف‌های سریداران در کتابشان، آنان در قالب گروه‌های سه نفره با رفتن به شهر، به تهیه گزارش‌های اطلاعاتی، شامل نقشه و کروکی بسیج، سپاه، سازمان‌ها و ادارات دولتی، خانه‌ها و نام افراد حزب‌اللهی و نیز برنامه‌های عملیاتی سپاه و ژاندارمری می‌پرداختند. تهیه این کروکی‌ها عمدتاً توسط زنان انجام می‌شد. همچنین سریداران قصد راه‌اندازی ایستگاهی رادیویی را داشتند که با وجود بردن بسیاری از تجهیزات به جنگل باز هم ناکام ماندند. از دیگر فعالیت‌های تبلیغاتی نیز می‌توان به این موارد اشاره داشت:

تبلیغات در مدارس روستایی، نفوذ در بین روستاییان، استفاده از نام سریداران که تداومی‌کننده مبارزات پیشین بود، سه مورد بستن جاده هراز و پخش اعلامیه در بین خودروهای عبوری.

درگیری ۱۸ آبان

در تاریخ ۱۸ آبان ۱۳۶۰ گروه منافقین آماده حرکت به سمت آمل شد، اما از قبل، تعدادی وانت و مینی‌بوس را از جاده هراز ربودند و رانندگان را به اسارت گرفتند. البته اتحادیه با انتشار اخباری کذب در منابع خودشان مدعی است که به قصد مصادره این ماشین‌ها را وارد جنگل کرد ولی این رانندگان از روی میل ماشین خود را در اختیار آن‌ها قرار دادند و اتحادیه نیز به آن‌ها قول پرداخت کرایه را داد. این در صورتیست که گروه‌گان‌ها ۶ یا ۷ نفر بودند که در تیار نگاهداری می‌شدند. طبق منابع موجود از آنجا که اعضای سریداران به هنگام عملیات ۱۸ آبان نزدیک به ۲۰۰ نفر بودند قصد داشتند از این تعداد مینی‌بوس و وانت در حمله به شهر استفاده کنند.

گروهی به رهبری یوسف گرجی برای چند ساعت جاده هراز در ۱۵ کیلومتری آمل را مسدود کرده تا مانع کمک‌رسانی هرگونه نیروی نظامی از تهران به آمل شوند و سپس شروع به پخش اعلامیه و تبلیغات کردند و بقیه نیروی منافقین سریداران در مسیر جاده خاکی، خود را به جاده امامزاده عبدالله رساندند. یکی از اهالی با مشاهده یک وانت افراد مسلح که وارد جنگل شده بود به سپاه آمل خبر داد. سپاه نیز ابتدائاً صرفاً برای ارزیابی خبر، ۳ نفر را به منطقه فرستاد که به محض رسیدن، گروه پیشرو با آنان درگیر شدند. در این درگیری یکی از نیروها به نام ولی‌الله کارگر به شهادت رسید و از نیروهای منافقین نیز فرمانده گروه

پیشرو به نام بهنام رودگرمی به هلاکت رسید. به دستور کاک اسماعیل، فرمانده نظامی سریداران، افراد سریع به داخل جنگل بازگشتند، سپس با بی‌سیم به یوسف گرجی دستور عقب‌نشینی صادر شد.



تصویر شماره 3. رزمندگان شهرستان آمل

طبق اعترافات محمود آزادی از اعضای دستگیرشده اتحادیه، عملیات ورود به شهر در ۱۸ آبان عجلانه طرح‌ریزی شده بود و صدای تیراندازی در زمان درگیری موجب نگرانی مسئولان شد زیرا طبق نقشه نبود. البته اتحادیه کمونیست‌ها طبق ادعایی واهی گفته‌اند در این درگیری دو نفر از نیروهای سپاهی به شهادت رسیدند و یک نفر دیگر موفق به فرار شد. همچنین بر اساس برخی منابع موجود در کشور، تا این زمان، هیچ‌یک از ارگان‌ها و نهادهای امنیتی، اطلاعاتی و نظامی از وجود چنین گروهی در جنگل اطلاع نداشتند.

درگیری ۲۲ آبان

بنا به منابع داخلی، منافقین پس از درگیری ۱۸ آبان در سازماندهی خود تغییراتی را ایجاد کرده بود. نیرویی متشکل از سپاه، بسیج و ارتش با اعزام به منطقه دست به اجرای عملیات چکش و سندان زد که منجر به عقب‌نشینی سریداران تا جنگل‌های منطقه عالی کیا سلطان شد البته در این درگیری در اثر شلیک آربی‌جی به یکی از ریه‌های ارتش، ۱۱ نفر از نیروهای سپاه و ارتش به شهادت رسیدند همچنین در این درگیری از نیروهای اتحادیه نیز ۱ نفر به هلاکت رسید و دو نفر زخمی شدند.



تصویر شماره 4. گروه مسلحانه مائویست در جریان واقعه آمل

در اطلاعیه نظامی شماره یک منافقین که مملو از اخبار کذب بوده است تعداد شهدای نیروهای مختلف شهرستان ؛ در درگیری ۲۲ آبان حداقل ۴۴ تن و تعداد زخمی‌ها نزدیک به ۱۰۰ نفر اعلام شد. همچنین حدود ۱۰ تفنگ و مقدار زیادی فشنگ و دیگر تجهیزات نظامی مانند بی‌سیم به دست آن‌ها افتاد. اما منابع موثق این آمار را قبول نداشته و مدعی شده‌اند که اتحادیه تنها به منظور حفظ روحیه اعضای خود این آمار را ذکر کرده‌است. در منابع موثق ، علی‌علیزاده از اعضای اتحادیه نیز در اعترافات خود، تعداد واقعی شهدای ارتش و سپاه در این درگیری را بین ۹ الی ۱۱ نفر ذکر کرده‌است که به خاک سپرده شدند. طبق گفته‌های سربداران پس از این درگیری، یکی از اعضای اتحادیه به نام کاظم شیراز مفقود شد.

آنچه بر اساس حقایق میتوان گفت این است که درگیری ۲۲ آبان موجب شد تا تقریباً نیمی از نیروهای جنگل از آن جدا شده و در واقع استعداد نیروهای سربداران به نصف رسید. البته اتحادیه کمونیست‌ها نیز با خیالی واهی ادعا می‌کند تعداد ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر از سپاه نه به امل بلکه به شهرهای چالوس و محمودآباد عقب‌نشینی کردند. همچنین اتحادیه به عقب‌نشینی نیروهای خود تا روستای اسکو محله اشاره داشته و دلیل آن را اجتناب از درگیری ذکر می‌کند. پس از این درگیری، سپاه انقلاب اسلامی به استقرار و استحکام مواضع خود در جنگل مبادرت ورزید.

درگیری ۲۴ آبان

با اذعانات برخی منابع موجود داخلی ، در تاریخ ۲۴ آبان ۱۳۶۰ ساعت ۲۱:۳۰ دقیقه شب، گروه دیگری از کمونیست‌ها که ارتباطی با سربداران نداشتند، به پاسگاه کرسنگ در ۲۰ کیلومتری امل به تهران حمله کرده و پس از دو ساعت درگیری بدون کشته، مجبور به عقب‌نشینی می‌شوند. به ادعای این منبع این گروه جاده هراز را بسته و هنگام بازرسی افراد و مسافران، یک سپاهی گرگانی به نام شریعتی‌فرد و پدر روحانی‌اش را شناسایی و اسیر کردند، سپس جلوی همسر و فرزندانشان آن‌ها را به شدت مورد آزار و شکنجه قرار داده و به شهادت رساندند .

درگیری ۳۰ آذر

این درگیری در پی حمله سربداران برای فتح پایگاه تازه تأسیس سپاه در بلندی روستای رزکه در روز دوشنبه ۳۰ آذر ۶۰ روی داد. منابع موجود بیان دارند که در اثر این درگیری ۲ ساعته هیچ فردی به شهادت نرسید و نیروهای سربداران نیز با ۳ زخمی عقب‌نشینی کردند. همچنین ۴ نفر از نیروهای اتحادیه که تازه به جنگل رسیده بودند در اثر اشتباه نگهبانان خودی مورد حمله قرار گرفته ۳ نفر از آنان زخمی و یکی از آنان در حین انتقال به تهران در اثر شدت جراحات به هلاکت میرسد و پس از این درگیری نیز حدود ۲۰ نفر از سربداران خصوصاً افرادی که به آن‌ها پیوسته بودند گروه را ترک گفتند.

درگیری ۱۳ دی

در این درگیری که بین ۷ نفر از پرسنل سپاه و کمیته با گروهی از اعضای سربداران روی داد، مسئول سیاسی گروه سربداران به نام اکبر اصفهانی به هلاکت رسیده و دو نفر دیگر زخمی شدند و بقیه افراد عقب‌نشینی کردند.

درگیری ۵ و ۶ بهمن

با توجه به موفقیت عملیات‌های گوناگون نیروهای نظامی و مردمی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، ترس از عملیات‌های بعدی کشور و از بین رفتن استتار جنگل، فشار اعضاء گروه، ریزش برف سنگین در جنگل، مشکل تهیه آذوقه و درگیری‌ها و اختلافات داخلی رهبران گروه، نداشتن رهبری، قرار داشتن در محاصره نظامی، نیروهای اتحادیه کمونیست‌ها مجبور به جلو انداختن تاریخ عملیات از تیر به بهمن شدند. نام این طرح، *حمله اسب تروا* بود. پس از تأیید طرح نقشه جدید حمله به شهر در دی، منافقین در تاریخ اول بهمن به سمت آمل به راه افتادند. برخی منابع تعداد نیروهای سربداران را در زمان حرکت به آمل ۱۱۰ نفر و برخی منابع این تعداد را ۱۰۰ نفر ذکر کرده‌اند که ۳ نفر از آنان زن بوده و در کادر پزشکی حضور داشتند. به دلیل طولانی شدن مرحله آخر پیاده‌روی و دیر رسیدن به شهر، اجرای عملیات یک روز به تأخیر افتاد. سربداران صبح روز ۵ بهمن به آمل رسیدند. از ساعت ۲۰:۳۰ انتقال نیروها با وانت که با چادر استتار شده بود انجام شد و نیروها در شهر مستقر شدند؛ و ۵ تیم ۲۰ نفره مأمور حمله به آمل شدند. البته منابع موثق بر اساس اعترافات برخی از اعضاء دستگیرشده بیان داشته‌اند که علاوه بر گروهی که از جنگل پیاده به شهر رسیدند، گروهی با ماشین از تهران و جنگل به آمل آمدند و گروهی نیز از قبل در شهر مستقر شده بودند و با اولین شلیک به گروه ملحق شدند. مهم‌ترین هدف نظامی، ساختمان بسیج بود که ۱۷ نفر مسئول تصرف آن شده بودند.



تصویر شماره 5، روز ششم بهمن سال 60 در آمل

حمله به شهر، ساعت ۲۳:۴۵ دقیقه شب ۵ بهمن با شلیک یک موشک آر پی جی به ساختمان بسیج آغاز شد. برنامه اصلی، از کار انداختن نیروی سپاه و بسیج و دعوت مردم به قیام بود. طبق ادعای کتاب پرنده نوپرواز، گروه/امین اسدی سنگرهای خود را سر کوچه‌های محله اسپه‌کلا، گروه بهنام در محله رضوانیه و گروه وریا در انتهای رضوانیه کمین جاده هزار را به عهده داشت و گروه قاسم عهده‌دار کمین جاده طالقانی شد. بنا به ادعای برخی منابع، غلامرضا سپرغمی که از اهالی رضوانیه بود مأمور دعوت مردم همان محل برای همراهی با منافقین بود که موفق نشد بنابر اعترافات او که در آن منابع آمده نظر کسی را جلب کند. تیراندازی و تسخیر شهر تا صبح ادامه داشت اما با آغاز صبح ششم بهمن، ستاد عملیات مرکب از سپاه، اطلاعات و ژاندارمری تشکیل شده و صدها نیروی داوطلب مردمی با روی آوردن به سپاه و گرفتن اسلحه و گاهی با دستهای خالی، به مقابله منافقین رفتند. از زن و مرد و پیر و جوان همگی با آوردن شن و گونی اقدام به سنگرسازی و نبرد سنگر به سنگر کردند. در شب حادثه هم، از مردم آمل هر کس که خود را برای کمک به بسیج و سپاه رسانده بود، دستگیر یا به شهادت رسیده بود. ۱۱ نفر از اعضاء سربداران در جلوی ساختمان بسیج به هلاکت رسیدند.



تصویر شماره 6. ساخت هزاران سنگر در شهرستان آمل

همانگونه که بیان شد و در تاریخ نیز درج گردیده ، سرکوب اتحادیه کمونیست‌ها و منافقین بزدل ؛ توسط نیروهای مردمی و با مقاومت مردمی صورت گرفت و برخی از مردم آمل توسط سپاه مسلح شده و به جنگ خیابانی علیه سربداران پرداختند و از آنجایی که به همه مردم اسلحه نمی‌رسید، مردمی که سلاح نداشتند با داس، تیر و کمان، سنگ، تفنگ ساچمه‌ای و شکاری به مبارزه با اعضای اتحادیه پرداختند. مردم حتی وسایل دارویی منزل‌هایشان را به مراکز امداد رسانی و پزشکی و بهداری سپاه می‌بردند. بدین ترتیب در همان روز سه شنبه ۶ بهمن ۶۰، سربداران تمام مواضع خود را از دست داد.



تصویر شماره 7. برخی شهدای ششم بهمن سال 60

با اینکه اتحادیه کمونیست‌ها معتقدند ضربه سیاسی نظامی به کشور زده‌اند، اما به شکست خود در این قیام اعتراف دارند و در چند مورد از آن به عنوان شکست قطعی یاد می‌کنند و معتقدند که مردم و نظام جمهوری اسلامی ضرباتی جبران ناپذیر به توسط این قیام و حماسه مردم آمل ؛ بر نیروهای منافقین (سربداران) و سایر مخالفت‌ها در سراسر کشور وارد کرد. عصر روز چهارشنبه ۷ بهمن ۱۳۶۰، شهر آمل آرام شد و محور هراز نیز پس از ۴۰ ساعت باز شد.



تصویر شماره 8. مردان غیور آمل

تحلیل آماری کشته شدگان منافقین

بر پایه آمار گزارش شده ، ۱۱ نفر از اعضای سربرداران در جلوی ساختمان بسیج به هلاکت رسیدند . گزارش‌های اولیه نشان می‌داد که ۳۴ نفر از مردم آمل که در میان آنان چند تن از اعضای سپاه پاسداران، بسیج و بقیه مردم عادی بودند به شهادت رسیدند اما این آمار به ۳۸ شهید رسید و در نهایت پس از پیوستن ۲ نفر دیگر از مجروحان به شهیدان، این آمار به ۴۰ شهید رسید و آمار زخمی‌ها نیز ۱۲۰ نفر اعلام شد که بعد ها با 41 شهید در تاریخ ثبت گردید . همچنین ۶۰ نفر از منافقین به هلاکت رسیده و زخمی شدند و گروهی نیز اسیر شدند، که در مجموع به ۸۱ نفر می‌رسیدند. همچنین ۲۸ نفر از اعضای اتحادیه موفق به گریز از آمل شدند. ۱۰ تن از اعضای سربرداران در ۷ بهمن ۶۰ اعدام شدند. در سالگرد واقعه آمل نیز، ۲۱ نفر از اعضای اتحادیه، محاکمه و به اعدام محکوم شدند و اعدام ۷ نفر به تعویق افتاد.



تصویر شماره 9. زنان غیرتمند آملی

از سوی دیگر، برخی منابع ذکر می‌کنند که دستگیری سایر اعضای اتحادیه کمونیست‌ها نیز در طول سال‌های بعد انجام شده و حسین ریاحی، رهبر اتحادیه کمونیست‌ها نیز در ۲۴ تیر ماه ۱۳۶۱ با دو نفر از رهبران اتحادیه در رستوران یابریکا در خیابان استاد نجات‌اللهی توسط مأموران اطلاعات دستگیر شد. ریاحی در دفاعیه خود در دادگاه به اشتباهات خود اعتراف کرد و مدعی شد که ما در جریان ۳۰ خرداد ۶۰ به اشتباه افتاده و منحرف شدیم. همچنین برخی از دستگیرشدگان اتحادیه، اعدام و بیشتر آن‌ها به زندان‌های کوتاه مدت و بلند مدت

محکوم شدند. برخی منابع مدعی هستند که در زندان نیز در صورت همکاری و احساس ندامت، عفو شدند و به زندگی عادی خود بازگشتند.



تصویر شماره 10. شهر پس از وقوع حادثه

بر اساس اذعانات مملو از کذب و واهی اتحادیه کمونیست‌ها، به هلاکت رسیدن برخی از اعضای اسیر شده‌اش را در هنگام درگیری در شهر به علت مقابله مستقیم توسط نیروهای مردمی و همچنین علت به هلاکت رسیدن مهدی تهران را به خاطر بستن او به یک وانت بیان داشته است. اما از آنچه در واقعیت اتفاق افتاد می‌توان فهمید در شب ۶ بهمن، اعضای اتحادیه کمونیست‌ها تعداد ۵ نفر از جوانان غیر مسلح را که تنها مشغول پاک کردن شعارهای کمونیستی از روی دیوار بودند به ضرب گلوله به شهادت رسانیده و ۲ نفر را مجروح نمودند و در اقدامی دیگر سربرداران یکی از مردم آمل به نام صادق مهدوی را به اسارت گرفتند و از او خواستند تا به خمینی توهین کند و پس از امتناع شهید بزرگوار مهدوی از این خواسته، سرش را تا گردن در شن کردند، انگشت‌های دستش را قطع کرده و دست‌هایش را شکستند و سپس با وضع فجیعی او را به شهادت رسانیدند. همچنین کمونیست‌ها در یکی از اقدامات خود، یکی از پاسداران را به شهادت رسانیده و دستش را شکستند و با وضع فجیعی جنازه او را پشت نیسان وانت گذاشتند و از کوچه‌ای به کوچه دیگر حرکت می‌دادند.

دلایل شکست

از جمله دلایل شکست منافقین می‌توان به مواردی همچون: حضور مردم یا مقاومت مردمی در برابر منافقین، رفتار شتابزده اتحادیه که نه تنها بر اصول مارکسیسم، بلکه به اصول تحریف شده مارکسیست‌های وطنی هم توجه نداشت و حرکت آن اساساً مبتنی بر جاه‌طلبی گروهی بود و تحلیل نادرست از ماهیت حکومت جمهوری اسلامی و دیکتاتوری دانستن آن اشاره نمود. آنچه دیده شد و بر منافقین مبرهن بود ماهیت مردمی و حکومتی مبتنی بر آموزه‌های دینی اسلام و تقدس خاک و وطن برای مومنین و مسلمانان این خطه بوده است.

پیامدها

" اگر این عده ای که در جنگل بودند اسلام را فهمیده بودند، حمله به آمل نمی‌کردند." امام خمینی (ره)

محسن میلانی می‌نویسد که پس از دستگیری تعدادی از اعضای جنبش، با استفاده از اطلاعاتی که از دستگیرشدگان بدست آمد سایر افراد گروه و بیشتر کمیته مرکزی آن در عرض چند ماه بازداشت شدند. در زندان (طبق گفته سایر افراد سازمان) نظریه پردازان گروه، توبه نموده و تقاضای بخشش کردند. برخی از آنها در نهایت حتی امام خمینی (ره) را به عنوان سدی علیه امپریالیسم

ستودند، برخی دیگر از آن‌ها در تهران محاکمه و به اعدام محکوم شدند . سپس به آمل منتقل شده و در سالگرد این واقعه در مرکز شهر و در ملاء عام اعدام شدند و به هلاکت رسیدند. اعضا و هوادارانی که دستگیر نشده بودند نیز از کشور گریختند. به دلیل آنچه در منابع یا از زبان مقامات در این واقعه، «مقاومت مردمی» خوانده شد، امام خمینی(ره)، از تنها شهری که در وصیت‌نامه خود از آن یاد کرد شهر آمل و مردم آن بود به سبب این واقعه اکنون، این شهر به شهر «هزار سنگر آمل» معروف گشته که نقطه اتصال محور مواصلاتی هراز با خروجی به سمت شرق استان مازندران و شمال استان منتهی به شهرهای بابل و محمود آباد ، میدانی بزرگ با نام هزار سنگر مزین گردیده است . امام خمینی(ره) همچنین از مردم آمل تشکر کرده بود و عقیده داشت که قیام گران "در صورت فهم اسلام" به آمل حمله نمی‌کردند.



تصویر شماره 11. دستگیری منافقین و درخواست خانواده های شهدا برای اشد مجازات

در سال ۸۶ نیز با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی «حماسه» ۶ بهمن ۱۳۶۰ آمل به پاس آنچه «فداکاری مردم آمل» نامیده شد و با نام حماسه مردم آمل در تقویم رسمی جمهوری اسلامی ثبت گردید . در این رابطه چند کتاب نیز نگاشته شده است. همچنین شورای فرهنگ عمومی در ۲۱ دی ۱۳۹۰ با تأسیس بنیاد ۶ بهمن موافقت کرد "حماسه مردم آمل" یا «حماسه اسلامی مردم آمل» عنوان مقدسی است که در تاریخ ، به دلیل آنچه مقاومت مردم این شهر در مقابل منافقین وطن فروش در واقعه آمل در ۶ بهمن سال ۱۳۶۰ نامیده اند حک گردیده است . این روز در تقویم رسمی ایران اسلامی عزیزمان نیز با نام «حماسه مردم آمل» به ثبت رسیده است.

نتایج :

کسانی که با نام سر به داران در جنگل های آمل سکنی گزیده بودند از تمام کشور جمع شده بودند. آنها نه تنها سال ها آموزش دیده بودند بلکه حتی از پشتیبانی استکبار نیز بهره مند بودند و توسط آنها تجهیز شدند که خوشبختانه مقاومت مردم آمل اجازه نداد این کفار به اهداف خود دست یابند. مردم ولایتمدار آمل در آن روز بر خون خود غلطیدند و مقاومت کردند و توانستند برگ زرینی را در دفتر انقلاب اسلامی به نام خود ثبت کنند. این مقاومت شروع و الگوی مقاومت های بعدی همچون مقاومت خرمشهر، مقاومت دفاع مقدس و حتی مقاومت بیروت و یمن را در پی داشت که رژیم صهیونیستی و آمریکا را به عقب نشینی وادار کرد.

مردم آمل با اهدای یکهزار و ۵۰ شهید در طول انقلاب و در نهایت با 41 شهید در روز ششم بهمن بصیرت و آگاهی خود را به نمایش گذاشتند و نشان دادند برخلاف تصور منافقین پای آرمان های امام راجل و انقلاب اسلامی حاضرند از جان خود نیز بگذرند. مردم مازندران و بویژه آمل و لشکر ۲۵ کربلا در عملیات های گوناگونی همچون فتح المبین، بیت المقدس و مرصاد خط شکن بودند و ما وامدار شهدای این خطه و خانواده هایشان هستیم. ما باید با الهام از راه شهدا فرهنگ صبر، استقامت و مجاهدت را در جامعه گسترش دهیم. این پژوهش نیز بدین منظور تدوین گردید تا در پژوهش های علمی کشور ثبت گردد که آمل و مردم فداکارش چه حماسه ای را آفریدند .

منابع و مواخذ :

1. KHAMENEI.IR
2. شهر هزار سنگر/روایتی از مقاومت تاریخی مردم شهر آمل/ سیمین رهگذر /مرکز اسناد انقلاب اسلامی/ 1390
3. مقاومت مردمی در حماسه آمل/ ناصر شعبانی/ مرکز اسناد انقلاب اسلامی 1394/
4. حماسه 6 بهمن مردم آمل (یک روایت معتبر درباره 4)/ زهرا نبوی/ به نشر وابسته به آستان قدس رضوی/1397
5. روزنامه کیهان/ شماره ۱۱۴۹۶، ۱۰ بهمن ۶۰ ص ۲ / 1360
6. مقاومت اسلامی مردم هزار سنگر آمل/مهدی خانی/ مرکز مطالعات و پژوهش های ارتش بیست میلیونی / 1379
7. روزنامه کیهان. بایگانی شده از اصلی در ۱۰ ژانویه ۲۰۰۹. دریافت شده در ۷ فوریه ۲۰۰۹.
8. حماسه اسلامی مردم آمل/ پژوهشکده علوم دفاعی استراتژیک دانشگاه امام حسین(ع) / 1377
9. حماسه مردم آمل/ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی/1361
10. چهل خاطره / مهدی خانی / سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آمل / 1380.
11. آمل در گذر تاریخ/ مولف محمدرضا مداحی آملی / شلاک / 1381.
12. شهر هزار سنگر (روایتی از مقاومت تاریخی مردم شهر آمل) / سیمین ره گذر / مرکز اسناد انقلاب اسلامی / 1385.
13. اسناد اتحادیه کمونیست های ایران در واقعه آمل/ علی کردی/ مرکز اسناد انقلاب اسلامی / 1386.
14. عروس آسمان/ علی اکبری سامانی/ نشر شاهد / 1387.